

«من به عنوان رئیس جمهور در پیشگاه قرآن کریم و در برابر ملت ایران به خداوند قادر متعال سوگند یاد می‌کنم که [...] خود را وقف خدمت به مردم و اعتلای کشور، ترویج دین و اخلاق، پشتیبانی از حق و گسترش عدالت سازم و از هرگونه خودکامگی پرهیزم و از آزادی و حرمت اشخاص و حقوقی که قانون اساسی برای ملت شناخته است حمایت کنم.» این قسمتی از سوگندی است که مطابق اصل یکصد و بیست و یکم قانون اساسی، رئیس جمهور آن را هم بیان می‌کند و هم امضا.

در همین سوگند نیز دو مؤلفه حکمرانی شایسته، یعنی محوریت عدالت و جمهوریت، کاملاً هویدا است. رئیس جمهور متعهد می‌شود تا از «گسترش عدالت» پشتیبانی کند. این پشتیبانی تعهد اخلاقی و شرعی صرف نیست؛ زیرا اصل دوم قانون اساسی نیز عدالت را به عنوان پایه‌های ایمانی اصل نظام معرفی می‌کند؛ البته در اصل بعدی نیز جنبه‌های ایجابی و سلبی از عدالت زمینی را به عنوان تعهدات قدرت عمومی بر شمرده است؛ مانند «پی‌ریزی اقتصادی صحیح و عادلانه بر طبق ضوابط اسلامی جهت ایجاد رفاه و رفع فقر و برطرف ساختن هر نوع محرومیت در زمینه‌های تغذیه و مسکن و کار و بهداشت و تعمیم بیمه» (بند دوازدهم اصل سوم). از سوی دیگر در همان سوگند رگه‌های اصالت جمهوریت نمایان است و رئیس جمهور برایش سوگندی شرعی می‌خورد. او «در برابر ملت ایران» سوگند می‌خورد، هم عرض سوگندش «در پیشگاه قرآن کریم».

ابتدای سوگند او مردم هستند و کتاب خدا و این کار سوگند را سخت می‌کند. مردم هم از موضوعات سوگند او هستند و او در مقابل آن‌ها سوگند می‌خورد و این عظمت مردم را می‌رساند، عظمت جمهور را. این عظمت است که در ابتدا او را به سوگند وادار می‌کند که به لحاظ ایجابی «خود را وقف خدمت به مردم» بکند و «از آزادی و حرمت اشخاص و حقوقی که قانون اساسی برای ملت شناخته است» حمایت کند، سپس به لحاظ سلبی تعهد می‌کند که از هرگونه خودکامگی پرهیزد.

یادمان نرود این سوگند، سوگندی شرعی است. این سوگند است که هم علت محدثه سبب ریاست جمهوری است و هم علت مبقیه. شاهد بر این ادعا، آن است که در مشروح مذاکرات مجلس بررسی نهایی قانون اساسی می‌خوانیم که یکی از اعضای آن مجلس در ذیل سوگند نمایندگی در اصل شصت و هفتم می‌گوید: «این موضوع را هم تذکر دهید که هر نماینده‌ای این سوگند را یاد نکرد از نمایندگی ساقط است». شهید بهشتی در تأیید این مطلب می‌گوید: «این دیگر معلوم است». پس پاسداری از عدالت و جمهوریت موضوع مهمی در سوگند رئیس جمهور است و حنث سوگند در این خصوص، موجب زوال مشروعیت تصرفات وی می‌گردد.

برگردیم به عدالت و جمهوریت و تعهد رئیس جمهور در پاسداری توأمان از آن دو. تأکید می‌کنم که این تعهد در پاسداری، تعهد توأمان است. نمی‌توان به نام عدالت، جمهوریت را زخمی کرد و نباید به نام جمهور، بر چهره عدالت چنگ کشید. این توأمان بودن عدالت و جمهوریت را می‌توان در نمونه دیگری هم یافت: استقلال و